



قیام خیابانی آزادمردی که یک تنه به مبارزه با استعمار انگلیس برخاست!

شیخ، در حیاط ساختمان تجدد به ایراد نطق‌هایی می‌پرداخت و مردم با اشتیاق تمام پای صحبتش می‌نشستند.

شیخ، در حیاط ساختمان تجدد به ایراد نطق‌هایی می‌زد؛ زنی می‌پرسد: «پرداخت و مردم با اشتیاق تمام پای صحبتش می‌نشستند. او به زبان آذری می‌زد؛ زنی می‌گوید: «اما ترجمه فارسی می‌زد؛ زنی می‌پرسد: «شما هر روز در روزنامه تجدد چاپ می‌شد: «...استقلال هر ملتی، شرافت اوست. اگر نتوانیم کشور خود را نجات دهیم و شرافتمندانه زندگی کنیم لاقلاً در راه وطن جان خواهیم داد! زیرا در چنین مواقع خطرناک و حساس، زنده ماندن محو شدن است.»

به گزارش خبرگزاری فارس از تبریز، شیخ محمد خیابانی در 1256 ه.ش. در خامنه از توابع شبستر در آذربایجان شرقی متولد شد.

خیابانی پس از چند سال کار و تحصیل مقدماتی در روسیه که محل اقامت پدرش بود به تبریز بازگشت و به تحصیل علوم دینی پرداخت. وی علاوه بر فقه و اصول، ادبیات - عرب را فرا گرفت و به کسوت روحانیت درآمد؛ چنانکه پس از وفات مرحوم آقای حاجی سید حسین پیش نماز، پدرزن فقید آن شهید - که در مسجد جامع تبریز امامت داشت - خیابانی قریب چهار سال، ظهرها در مسجد جامع و شب‌ها و صبح‌ها در مسجد کریم خان، امام جماعت بود و بیش از هزار نفر در نماز جماعت به او اقتدا می‌کردند. وی مدتی امام جماعت مسجد جامع تبریز شد و سپس به دوره دوم مجلس شورای ملی که در آبان 1288 آغاز به کار کرد، راه یافت. هنگام اولتیماتوم روسیه تزاری برای بیرون راندن مستشاران خارجی و ادامه اقامت مستشاران روسی در ایران که با موافقت احمد شاه رو به رو شد و به تعطیلی مجلس دوم انجامید، شیخ محمد خیابانی به مبارزه علیه حضور استعماری بیگانگان ادامه داد. او طی نطق‌های پرشوری در مجلس، نمایندگان را از تسلیم شدن در برابر روس‌ها برحذر داشت. پس از تعطیلی مجلس دوم به تبریز بازگشت و مبارزات سیاسی خود را سازمان تازه‌ای بخشید.

مهمترین بخش این مبارزات، قیام وی در برابر پیمان 1919 و وثوق‌الدوله بود، چرا که به موجب این قرارداد امتیاز راه‌آهن و راه‌های شوسه در سراسر کشور به انگلیس واگذار شد و ارتش و دستگاه مالیه ایران زیر نظر مستشاران سیاسی و اقتصادی بریتانیا قرار گرفت. روحانیون مبارز از جمله شیخ محمد خیابانی و سید حسن مدرس در جریان مخالفت‌ها و اعتراضات عمومی مردم علیه پیمان 1919، به وثوق‌الدوله که عاقد این پیمان بود، به شدت اعتراض کردند و این افشاگری‌ها به شناخت بیشتر مردم از ماهیت اهداف بیگانگان در ایران انجامید. خیابانی برای واداشتن وثوق‌الدوله به لغو معاهده، در بهار 1299 ه.ش. به مبارزه مسلحانه روی آورد و در روزهای میانی فروردین همان سال در برنامه‌ای از پیش طراحی شده، تمامی ادارات و مراکز دولتی تبریز را تصرف کرد. وی با گسترش این قیام به دیگر شهرهای آذربایجان، توانست، این خطه را از حاکمیت دولت وثوق‌الدوله خارج سازد.

در کشاکش قیام شیخ محمد خیابانی، دولت وثوق‌الدوله سقوط کرد و کابینه مشیرالدوله زمام امور را به دست گرفت. مشیرالدوله برای پایان دادن به قیام خیابانی، مخبرالسلطنه حاکم تبریز را مأمور فرو نشانیدن این قیام کرد. مخبرالسلطنه پس از چند دوره مذاکره بی‌نتیجه با شیخ محمد خیابانی، سرانجام به کمک قوای قزاق عملیات نظامی بزرگی را علیه نیروهای وفادار به خیابانی به راه انداخت. در جریان این نبرد نیروهای شیخ سرکوب شده و شیخ محمد خیابانی نیز در 22 شهریور 1299 به شهادت رسید. دولت مشیرالدوله از بیم عکس‌العمل مردم قتل خیابانی را تا مدت‌ها خودکشی‌اش را اعلام کرد، اما این ترفند، بی‌فایده بود.

از این رو یکی از شعرای معاصر او در رثای شیخ محمد خیابانی چنین سروده است:

زیانی که این دوره بی‌ثانی است

به تبریز مرگ خیابانی است

به نزدیک او را چو خود دیده ام
سخنگوییش را پسندیده ام

به گاه سخن ازدهای دمان
بلند آسمان ناطق خوش بیان

سجیع و فقیه و اصیل و نجیب
امین و شکیب و ادیب و اریب

درخشنده چون اختر آسمان
شفابخش دل های پیر و جوان

به هوش و خرد ثانی بوالعلاء
به آزادگی بر همه مقتدا.

اهداف و علل شکست قیام تبریز

اما در باب اهداف شیخ محمد خیابانی از بررسی سخنان رهبر قیام تبریز و موضع گیری های او چنین برمی آید که قیام مجاهدان تبریز به منظور تحقق بخشیدن به اموری از این دست بود:

1. قطع دست اجانب از سلطه پیدا کردن بر کشور و منابع آن؛

2. از بین بردن استبداد و احیا و اجرای قانون مشروطیت؛

3. سروسامان دادن به اوضاع آشفته کشور و حفظ استقلال همه جانبه ایران؛

4. همکاری با نهضت جنگل به رهبری میرزا کوچک خان در راه اصلاح اوضاع کشور و بیدار کردن مردم.

درباره علل عدم پیروزی نهضت مجاهدان تبریز به اموری اشاره شده است که ازجمله آنهاست:

1. خیانت عوامل بیگانه؛

2. کم بودن نیروهای مقاومت؛

3. اعتماد بیش از حد به افراد به ظاهر حزب؛

4. عدم همکاری هم پیمانان خیابانی؛

5. استقلال رأی خیابانی در حفظ مواضع اصیل انقلابی و حاضر نشدن به همکاری با روس و انگلیس.

سخنانی کوتاه از شیخ محمد خیابانی

ملتّی که از مرگ نمی ترسد هرگز نمی میرد.

اولین لازمه شرافت هر ملتّ استقلال است.

حافظ و نگهبان استقلال هر ملتّی شجاعت و قهرمانی اوست.

انتظام و انضباط شرط عمده موفقیت است.

اعتماد به نفس شرط عمده موفقیت است.
شجاعت مادی بی شجاعت معنوی کامل نیست.
ترس عامل عمده اسارت ملت هاست.
در راه زندگی شرافتمندانه باید از جان و مال گذشت.
استقلال ملت ها را فقط فضایل و اخلاق عالی می تواند محفوظ دارد.
نگارنده: مصطفی لعل شاطری